



پیر کردن شکاف فرهنگی

نوشته ژاکلین شارلمانی

ژرمنی آمده باشند و همچنین گروههای چادرنشین دیگری که تعیین گروه آنها مشکل است.

گروههای کولی را همچنین می‌توان از سبک گوناگون زندگیشان باز شناخت. در فرانسه که بیش از نیمی از کولیان هنوز چادرنشین هستند، بعضی از کولیها مسافران قهاری هستند در حالی که برخی دیگر صرفاً در محدوده‌ای خاص و حتی در محدوده یک شهرستان کوچ می‌کنند.

کولیها به مشاغل گوناگونی می‌پردازند، اما تمام آنها از نوع سنتی نظیر سفیدگری، سبدبافی، جمع‌آوری فلزات قراضه، و مطری است. علاوه بر این به کارهای فصلی همچون انگورچینی، برداشت محصول سیبوه و

گروههای متنوع زیادی که کولیان از آنها تشکیل می‌شوند دارای نامهایی هستند که هیچیک از آنها بیانگر دقیق و کامل آنها نیست.

امروزه در فرانسه تمام کولیها و چادرنشینها را تحت عنوان عمومی ژیتان می‌خوانند، در حالی که ژیتانها در واقع گروه قومی مشخصی بودند که عمدتاً به اسپانیا و جنوب فرانسه مهاجرت کردند. غیر کولیها یا «گاجه»ها گاهی صرفاً به این مردم که سازمان اجتماعی آنها مبتنی بر «مسافرت» است اطلاق می‌شود.

علاوه بر کولیها که خود به گروههای قومی و گروههای فرعی روم، مانوش یا سنتی، و ژیتان تقسیم می‌شوند، بنیسهها نیز هستند که گفته می‌شود از اروپای

حتی در خانوادههایی که زندگی چادرنشینی را کنار گذاشته و در شهر ساکن شده‌اند هنوز دختران کولی که ظاهراً بزرگترین آرزویشان ترک خانه و رفتن به خانه شوهر است مجبورند بیشترین وقت خود را صرف کارهای خانه و نگهداری از خواهران و برادران کوچکتر خود بکنند. وظیفه دختران کولیهای چادرنشین از این هم سخت‌تر و بیشتر است؛ عکس فوق یکی از آنها را در اردوگاهی در یونان نشان می‌دهد.



خواه در یک شهر زاغهای یا در ساختمانی پیش ساخته در آویینون که توسط مقامات محلی برای آنان آماده شده باشد (تصویر چپ). کولیان در طی تاریخ طولانی زندگی خویش شیوه انطباق یافتن را آموخته اند و همین امر آنها را قادر ساخته است که با ناملایماتی که بر سر راه اقلیتی حاشیه نشین وجود داشته مقابله کنند.

خانه برای یک مرد یا زن کولی جایی است که در آن او تراق می کند، خواه این خانه کالسکه سنتی یا بوکس در باتلاقهای کامارگ واقع در جنوب فرانسه باشد (تصویر سمت چپ). خواه واگن براق جدید و دارای تمام تسهیلات مدرن در حومه شهرهای انگلستان (تصویر وسط)، خواه پناه گرفتن در برابر سرمای زمستان در غاری در یوگسلاوی (مقابل، پائین)، و

که قربانی اعمال نازیها شدند بگیرند. در کشورهای اسکانندیناوی، که شرایط زندگی کولیان در آنجا به همین دلایل همچون سایر کشورهاست، اقدامات خاصی در جهت سوادآموزی و ایجاد مدارس برای کولیان توسط مقامات صورت گرفته است.

در اروپای شرقی از زمان پیدایش سوسیالیسم به بعد «مسئله اجتماعی» کولیان از طریق اسکان گرفتن تدریجی آنها حل شده است. البته تسهیلات خاصی نیز جهت حفظ میراث فرهنگی شان در اختیار آنها قرار گرفته است.

اشراف را برعهده داشتند نسبتاً بهتر رفتار می شد، اما موقعیت آنها نامعلوم بود و جوشیدن با آنها مظلونیت ایجاد می کرد. مقامات همواره به این آوارگان که به هیچوجه تحت کنترل در نمی آمدند مظنون بودند.

قبل از قرن دوازدهم مشاغل سنتی کولیان دوره گرد - دستفروشی، تعمیر صندلی و گاهی نوعی ساحری - در روستا کاربرد بهتری داشت. امروزه پیشرفت حمل و نقل از طریق ارائه انواع کالاها با قیمتهای از پیش ثابت شده تجارت غیرسوار را رونق بخشیده است. این جریان سبب شده است که کولیان برای امرار معاش به حاشیه اجتماعات رانده شوند و آنها این موقعیت نامشخص را لطمه ای به هویت جمعی و فردی خود به حساب می آورند.

علیرغم وجود اعلامیه های رسمی مبنی بر دعوت به تفاهم میان فرهنگها، به نظر می رسد که عدم تحمل فرهنگی حاکم است، زیرا مردم سرزمینهای میزبان همچنان حسادانه از ارزشهای خود محافظت می کنند و کولیان نیز برای یافتن راههای مبارزه با آنچه که آنها نابودی شخصیت خویش می شمارند به گذشته خویش مراجعت می کنند.

وضعیت قانونی کولیا نیز به این احساس عدم امنیت شدت می بخشد. در سوم ژانویه ۱۹۶۰ در فرانسه قانونی در مورد مسافرت به تصویب رسید که بر طبق آن نام افرادی که فعالیت منظم شغلی داشتند، نام فرانسویان و ملیتهای دیگری که فعالیت منظم حرفه ای، تجاری یا صنعتی نداشتند، در نتیجه فاقد مستمری بودند در پروانه های جداگانه ثبت می شد. گروه اخیر می بایست هر ماه پروانه خود را به رؤیت مقامات برسانند. وانگهی افراد بی مکان می بایست نام خود را در دفتر ناحیه به ثبت برسانند. در واقع حق بر پا کردن چادر که اصولاً آزاد شناخته شده است با محدودیتهای زیادی روبروست.

این مقررات یک چیز را بخوبی نشان می دهند و آن اینکه ویژگیهای کولیان آواره از نظر مردمان ساکن با ویژگیهای جامعه آنها در تضاد است و هویت اجتماعی - فرهنگی کولیان صرفاً وقتی در نظر گرفته می شود که مسئله ای برای اجتماع فراهم کرده باشند.

در جاهای دیگر اروپای غربی و امریکا نیز مراجع قانونی به همین شیوه می خواهند کولیان را با دیگر اقوام همگون سازند و مقررات ناظر بر آنها نیز مانند سایر جهاها قراردادی است. کشور بلژیک یا نهادن عنوان «ملیت نامشخص» بر کولیا آنها را از بسیاری از حقوق محروم می کند. در اسپانیا از زمان تصویب و اجرای فرمانهای شاهانه پراگماتیک سانکسیون، کولیا تحت تعقیب بوده اند. در جمهوری فدرال آلمان هنوز کولیا توانسته اند خسارت قانونی آن دسته از هم قوم خود را

سبزیجات نیز می بردازند. کولیان مسافر به کارهایی مانند سمساری، دوره گردی، خرده فروشی، مغازه داری و پیشه های دستی دیگر اشتغال دارند. آن تعداد از کولیان که به کارهای مزدی می بردازند بسیار کم هستند. شرایط زندگی کولیا نیز متفاوت است. کولیان مسافر معمولاً در کالسکه زندگی می کنند. اغلب کولیا های غیر مسافر (به استثنای تعداد کمی از آنها که زندگیشان شبیه زندگی مردم همان اطراف می باشد) در کالسکه های غیر متحرک که به طور موقت در حاشیه شهرها، زمینهای بلامصرف یا شهرهای زاغهای مستقر شده اند بسر می برند.

اغلب این کولیا های آواره با کالسکه به این طرف و آن طرف می روند، اما بعضی از آنها برای این کار از واگن استفاده می کنند. رومها معمولاً با قطار مسافرت می کنند. سایر انواع سربندها عبارتند از چادر (که سابقه آن از کالسکه بیشتر است) غار (که کولیان اسپانیا از آن استفاده می کنند) و کلبه های ساخته شده از شاخ و برگ درختان. کولیان مسافر گاهگاه خانه های نیز می خردند اما قاعدتاً در آن زندگی نمی کنند. آن دسته از کولیان که ساکن شده اند گاه در شرایط محنت باری همچون زاغها، واگنهای مستعمل قطار و یا در کلبه های غیر بهداشتی بسر می برند. کولیا در اروپای مرکزی و شرقی که زندگی غیرسوار برای آنها اغلب اجباری است، در خیابانها و محلات گرد یکدیگر جمع می آیند.

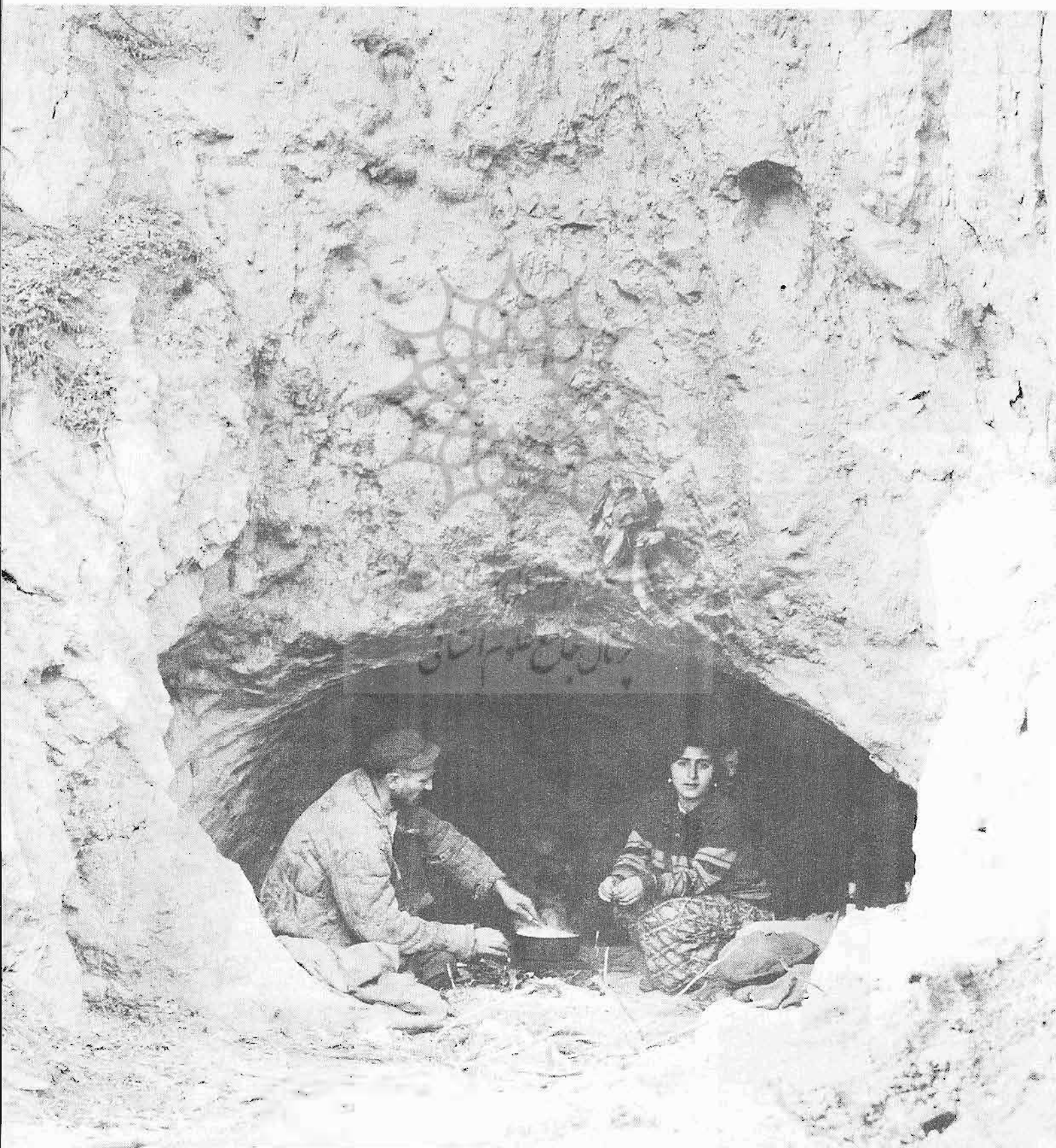
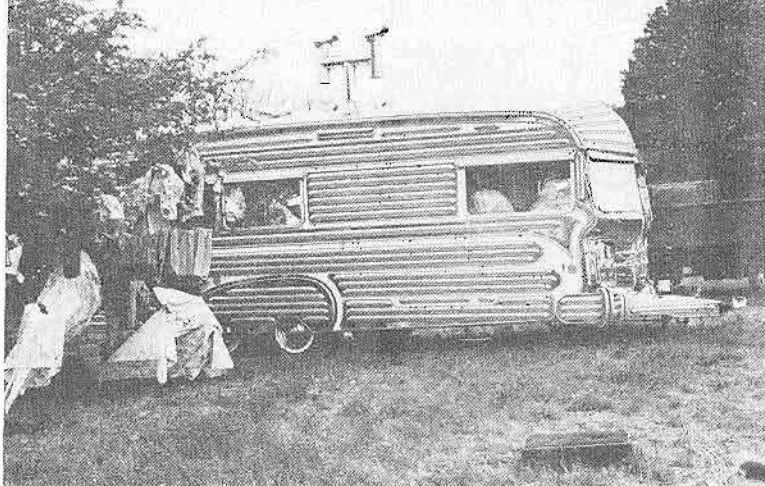
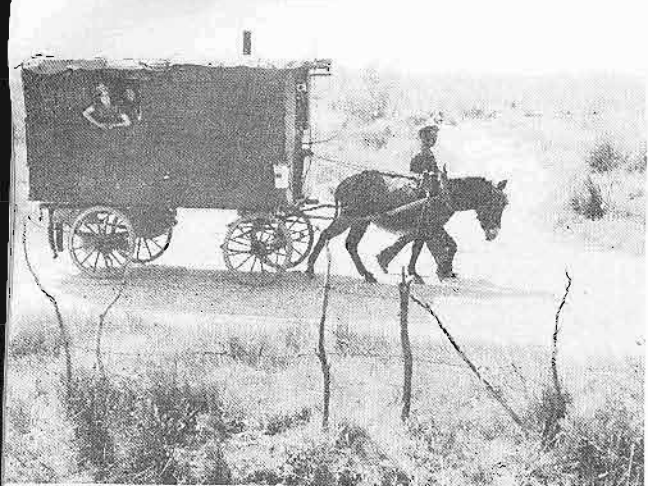
کولیا که قرنهای پیش هندوستان را ترک کرده، در سراسر دنیا پراکنده شدند همواره هویت خویش را حفظ کرده اند؛ اما این امر بیش از آنکه مدیون کوشش خود کولیا باشد ناشی از برخورد کناره گیرانه مردمی بوده است که کولیا در میان آنها زیسته اند. چه ویژگیهای مشترکی سبب می شود که ما از گروه خاصی به نام کولیان صحبت کنیم؟ این ویژگیها همچنانکه قبلاً دیدیم، نه در سبک زندگی، نه در نوع مسکن، نه در آداب سفر، نه در لهجه، نه در لباس پوشیدن و نه در شعائر مذهبی آنهاست. در ورای همه اینها، که خود در هر یک از گروههای گوناگون کولیان در نقاط مختلف جهان متفاوت اند، آنچه که یک کولی را کولی می کند آرزوی کولی باقی ماندن در اجتماع غیر کولیان و رفتار کردن سواى آنهاست. صرف نظر از «کولی وشی» مشترک میان تمام گروههای کولی، شکافی فرهنگی کولیان را در هر کجا که باشند از سایر مردمان جدا می سازد.

کولیان قرنهای به عنوان مردمی آواره در نظر گرفته می شدند که از طریق گدایی یا دلدزدی روزگار می گذرانند و یا آنچنانکه در حکایتهای مجاز و رومانیایی آمده بردگانی بودند که می شد تا سر حد مرگ از آنها کار کشید. با «بوهمی ها» که وظیفه سرگرم کردن و تسفیر

برنامه ریزان اجتماعی بسیاری از کشورها کولیا را فراموش کرده اند. مثلاً بر طبق قوانین فرانسه کودکان کولیان و چادر نشینان موظف به مدرسه رفتن هستند و مستمری خانوادگی آنها منوط به قبولی آنها در مدرسه است. به این ترتیب تحصیلات اجباری سبب افزایش وابستگی کولیان به مزایای بیمه ملی شده است. با اینهمه با سواد کردن کودکان کولی با حد مطلوب فاصله زیادی دارد. زیرا فقدان برنامه درسی مناسب و انطباق یافته و نبودن معلمان دوره دیده، و همچنین ترس والدین از فرستادن کودکانشان به مدرسه به خاطر اینکه مبادا با ارزشهای سنتی بیگانه شوند، و سرانجام مطرود بودن کولیان در میان جمع سبب شده اند که اغلب کودکان کولی یا بیسواد باقی بمانند و یا از سواد اندکی برخوردار شوند.

اسکان دادن کولیان در خانه ها نیز حتی زمانی که از حالت آوارگی بیرون آمده و ساکن شده باشند، در محصور کردن آنها در نظامی جداگانه سهیم بوده است. آن دسته از خانواده های کولی که در خانه های اجاره ای ارزان قیمت بازنشین شده اند بافت اجتماعی سنتی خویش را از دست داده اند، زیرا در چنین شرایطی رئیس گروه دیگر نمی تواند نقش کنترل کننده و گردهم آورنده خویش را ایفا کند و کانون هویت فرهنگی کولیان باشد. شغلها نیز تغییر می یابند، زیرا برای مثال اکنون دیگر پیدا کردن فضای کافی برای گردآوری و دسته بندی خرده فلزات برای خانواده های کولی مشکل شده است.

کالسکه و واگن برای خانواده های چادر نشین اهمیت فرهنگی و تمدن زیادی دارد. با اینهمه قانون هیچ تسهیلاتی برای کسانی که در آن بسر می برند قائل نیست. از لحاظ قانونی هیچ وامی به واگن نشینان تعلق نمی گیرد، زیرا از آنجایی که واگن یا کالسکه واحد مسکونی تلفی نمی شود ضمانتی برای پرداخت وام بشمار نمی رود. در نتیجه آن عده از خانواده هایی که واگنشان صدمه دیده یا از کار افتاده باشد امکان مسافرت را از دست خواهند داد. بی بولی مانع از این می شود که آنها بتوانند از این شهر به آن شهر بروند و در نتیجه مجبور می شوند که خرج معیشت خود را به طور روزانه و از طریق زندگی غیرسوار که بر



آنها تحمیل شده است تهیه نمایند. اردوگاههایی که برای کولیان برپا شده و آشکارا اعلام گردیده که هدف از ایجاد آنها ارتقاء سطح زندگی چادرنشینان است، به گتوهای تبدیل شده‌اند که این گروه از مردم را که زندگی کردن بدون سفر برایشان بسیار مشکل است در خود جای داده‌اند.

آیا کولیان جوان چگونه خواهند توانست بر خوردهای روزانه خویش را در جمع غیر کولیان تنظیم نمایند؟ شکستهای تحصیلی، انحراف و بحران هویت تحفه‌های غم‌انگیزی بوده‌اند که اجتماع برای آنها فراهم آورده است. اجتماعی که نتوانسته است به محرومترین اعضای خود فرصت دهد تا عقوبت‌ماندگیهای خویش را جبران کنند.

کولیان جوان به نحوی روزافزون از رفتن به مدرسه بیزار می‌شوند و بسیاری از آنها خواندن و نوشتن نمی‌دانند. هیچیک از جوانان کولی بعد از چهارده سالگی به درس خواندن ادامه نمی‌دهند؛ پسران عاطل به صورت «مصرف‌کنندگان» بزرگ برنامه‌های تلویزیون، نوار، و موتورسیکلت درمی‌آیند و دختران به کارهای خانه‌داری و رسیدگی به خواهران و برادران کوچک خویش می‌پردازند. آنها در هیچیک از فعالیتهای مراکز جوانان، انجمنهای فرهنگی و سایر سازمانهای اجتماعی، که بزعم آنان در خدمت فرهنگ غالب است، به‌طور اساسی شرکت نمی‌کنند.

هنگامی که از این پسران و دختران کولی سؤال می‌شود که چه برنامه‌هایی برای آینده خود دارند، پسرها جواب می‌دهند «می‌خواهم تصدیق رانندگی بگیرم» تا

بتوانم «سفر» کنم، و دخترها نیز می‌گویند که میل دارند «خانه را ترک و ازدواج کنند». این پاسخها نشان می‌دهند که سنت هنوز دارای نفوذ شدیدی است و آرزوی آنها این است که از طریق «مسافرت خانوادگی» به این سنتها تداوم بخشند.

در حقیقت اغلب کولیان جوان شدیداً احساس می‌کنند که به اقلیتی فرهنگی که ارزشهای آن کم‌اهمیت‌تر از ارزشهای اجتماعات غیر کولی نیست تعلق دارند. این امر منجر به نوعی غرور در آنها گردیده که تجلی‌اش در خودشیفتگی نارسبوس‌وار آنها به نوع لباس پوشیدن‌شان هویداست. اما آن هویتی که این کولیان جوان مصرانه در نگهداریش می‌کوشند با هویت بزرگترهاشان متفاوت است. گرچه چارچوب عمومی و شیوه زندگی و حتی زبان کولیان همچنان محفوظ مانده است، مقررات حاکم از سوی جامعه مسلط، که به نحوی فزاینده اجباری‌تر می‌شوند، از کولیان عناصری بیگانه ساخته است. این فشارها و تأثیرات متناقض کولیان را از فرهنگ خویش بیگانه ساخته و آنها را به سوی گروههای محروم‌تر دیگر و تبادل با آنها و یا یکپارچگی با آنها رانند است.

آیا همانطور که عده‌ای اعتقاد دارند ما شاهد آخرین سوسوزندهای فرهنگ کهن کولیان و همگون شدن آنها با سایر اقوام هستیم؟ چنانچه نتوانیم نقطه پیوندی میان این دو فرهنگ بیابیم و به نحوی این دو دنیای متفاوت را با یکدیگر آشتی دهیم این احتمال وجود دارد که شکاف فرهنگی بیش از آن افزایش یابد که بتوان از نابودی این فرهنگ جلوگیری کرد.

امروزه گرایش به خاص‌گرایی از همه نوع آن و توجه همگانی به گروههای اقلیت سبب شده است که این گروهها خواستهای فرهنگی خود نظیر احیای زبان محلی و لباس سنتی را مطرح کنند. تا آنجا که به کولیان مربوط می‌شود، تعداد روزافزون کولیانی که هوای گذشته و زبان خود را می‌کنند و میزان مطالبی که درباره مسئله آنها نوشته و منتشر می‌شود و همچنین وارد شدن بعضی از کولیان در امور نشریات، رادیو و فعالیتهای عمومی همگی نشان‌دهنده این امر هستند که احتمالاً «چیزی در حال وقوع» است. علاوه بر این تعداد روزافزون مجامع اجتماعی و فرهنگی که توسط کولیان تشکیل می‌شود، نشانه دیگری از زایش دوباره خودآگاهی در آنهاست. مهمترین جوامع کولیان، نظیر کمیته بین‌المللی کولیان، هنوز رنگی سیاسی دارند. این مطلب که کولیان برای کسب موقعیتی قانونی باید در زمینه‌ای بین‌المللی دست به کار شوند تعجب‌آور نیست، زیرا عمده‌ترین ویژگی آنها، یعنی سیار بودن، از لحاظ قانونی موقعیت ملی آنها را نامشخص می‌کند و آنها به این نتیجه رسیده‌اند که در چارچوب بین‌المللی بهتر می‌توانند خواستار حقوق خود شوند و به تبعیضات موجود علیه خود پایان دهند. کنگره رومانو که در طی چند سال گذشته تشکیل شده است خواستار بازیابی هویت «رومانی‌ها» (کولیان)، انتساب منشأ آنها به کولیان هند و شمول تمام مزایای ناشی از پیشرفت اجتماعی به آنها بوده است. تعدادی از سازمانهای بین‌المللی نیز هم خویش را مصروف اجتماع

«... اما آن هویتی که این کولیان جوان مصرانه در نگهداریش می‌کوشند با هویت بزرگترهاشان متفاوت است...»

کولیان کرده‌اند. توصیه شورای اروپا در مورد موقعیت اجتماعی کوچ‌نشینان در ۱۹۷۵ بتدریج به عنوان مبنای حقوقی ادعاهای کولیان مورد قبول واقع شده است. سازمان ملل متحد و یونسکو نیز توجه زیادی به مسائل فرهنگی و اجتماعی کولیان و چادرنشینان کرده‌اند.

کولیان همچنین اعتقاد دارند که باید مستقل باشند. بعضی از آنها می‌کوشند مسابلی مستقل برای بیان فرهنگ خود بیابند و از این طریق با اجتماع غالب مبارزه کنند و خواستار اجرای برابری و عدالت هستند. بعضی دیگر در جستجوی ریشه‌های تاریخی خویش هستند و یکی از برنامه‌های آنها در این زمینه برپا کردن یادمانهای کولیانی است که قربانی آزار و شکنجه نازیها شدند. ستم‌ها و قتلها تأثیر خود را کرده است و رابطه میان کولیان و غیرکولیان اغلب با سوءظن همراه است. کولیان نمی‌توانند این امر را فراموش کنند، این ما هستیم که باید در درک آنها بکوشیم و گفتگویی نو با آنها برقرار سازیم.

ژاکلین شارلمانی فرانسوی سانهایی زیادی را صرف بررسی موقعیت حقوق کولیان فرانسه کرده است. این خانم عضو مرکز فرانسوی تحقیق درباره کولیان و عضو فدراسیون ملی مؤسسات رسیدگی به امور کولیان می‌باشد و با مجله بررسی درباره کولیان همکاری می‌کند. کتاب او تحت عنوان مردم چادرنشین و فقر که در سال ۱۹۸۴ چاپ شد، نجزیه و تحلیل مطرودشدگی و به حاشیه رانده شدن کولیان در کشورهای عضو بازار مشترک اروپاست.

